

بسمه تعالی

موضوع :

چالش های هویت ملی اسلامی

تهیه کننده :

مریم شمسایی - کارشناس ارشد علوم سیاسی (مدرس دانشگاه آزاد
اسلامی واحد شیراز)

سمینار هویت ملی اسلامی

صفحه	فهرست
۱	چکیده
۳	مقدمه
۳	سازماندهی پژوهش
۴	فصل اول : کلیات پژوهش
۷	فصل دوم : تعریف مفاهیم
۷	بخش اول : مفهوم هویت
۸	بخش دوم : بحران هویت
۹	بخش سوم : هویت ملی
۱۱	بخش چهارم : هویت دینی و بحرانی هویت دینی
۱۲	بخش پنجم : جهانی شدن
۱۴	فصل سوم : هویت دینی و بحران هویت دینی
۱۵	بخش اول : عوامل ایجاد بحران هویت دینی
۱۵	بخش دوم : راههای مبارزه با بحران هویت دینی
۱۷	فصل چهارم : هویت ملی - مذهبی ایرانیان
۱۷	بخش اول : هویت ملی مذهبی ایرانیان

۱۸ بخش دوم : ارتباط هویت ایرانی و تشیع

۱۸ بخش سوم : هویت اسلامی ایرانیان از نگاهی دیگر

۱۹ بخش چهارم : مهمترین عناصر هویت ملی در ایران

۲۱ فصل پنجم : جهانی شدن و هویت ملی و دینی

۲۱ بخش اول : جهانی شدن و هویت

۲۲ بخش دوم : جهانی شدن و فرهنگ

۲۳ بخش سوم : جهانی شدن و فرجام جهان اسلام

۲۵ نتیجه گیری

۲۷ فهرست منابع

سمینار هویت ملی اسلامی

چکیده

پژوهش حاضر، سلسله گفتارهایی پیرامون هویت و بحران هویت و هویت دینی و هویت ملی و مذهبی ایرانیان و همچنین پدیده جهانی شدن و تأثیر آن بر روی هویت ملی و اسلامی می باشد. که طی آن به بیان مفاهیم، مؤلفه‌ها، فرصتها، تهدیدها و راهبردهای هویت پرداخته گردیده. طرح بحث هویت در پژوهش حاضر، بر گردآوری دیدگاهها و پیشنهادهایی مبتنی بوده است که علاوه بر نظریه پردازی درباره مفاهیم هویت ملی با ارائه نمونه‌ها و شواهد جزئی، هویت ملی - مذهبی ایرانی را تبیین کرده، به عرضه راهکارها و راهبردهایی پرداخته که توجه علاقمندان را جلب کند. تهیه کننده این پژوهش امیدوار است مجموعه حاضر، مقدمه و انگیزه تلاشهایی باشد که هویت ملی مذهبی بیشتر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان و مسئولان محترم قرار گیرد؛ زیرا نویسنده پژوهش معتقد است که بازشناسی، بازیابی و بازسازی هویت ملی و اسلامی در توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور لازم و بایسته است.

در این پژوهش عنوان گردیده که ، هویت پدیده‌ای است که از «من» آغاز و به «ما» منتهی می‌شود و از احساس استقلال فردی تا احساس تعلق اجتماعی گسترش می‌یابد. از آنجاکه هویت هم در شکل فردی و هم در شکل اجتماعی خود برآیند تعاملی اجتماعی است، با شناخت و بازیابی آن می‌توان زمینه رشد و توسعه را هموار ساخت و برای حل مسائل خرد و کلان جامعه، الگوهای عملی مناسبی به دست داد. از این‌رو، شاخصه‌های هویت ملی در منابع و بسترهایی گوناگون و در مؤلفه‌هایی متفاوت مانند نژاد، سرزمین، دین، فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم، زبان و مبانی فکری و فلسفی قابل بررسی است.

سؤال‌های اصلی پژوهش

- ۱) هویت و بحران هویت به چه معناست ؟
- ۲) رابطه هویت ملی و هویت مذهبی در ایران چیست؟
- ۳) احساس هویت دینی و همچنین احساس بحران هویت دینی چگونه حاصل می‌شود؟
- ۴) پدیده جهانی شدن چه تأثیری بر هویت اسلامی خواهد داشت ؟ آیا این تأثیرات مثبت است یا منفی ؟

فرضیه‌های اصلی پژوهش

- ۱) هویت یعنی آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. و بحران هویت را می‌توان به عنوان ایجاد بی‌نظمی و اغتشاش غیر قابل کنترل در جریان یک فرایند و پروسه دانست.
- ۲) این واقعیت فرهنگی - اجتماعی (هویت ملی مذهبی ایرانیان) آن چنان با شخصیت عموم ایرانیان آمیخته است که گاهی پیروان برخی از نحله‌های فکری کوشش کرده اند که یکی از این دو پایه هویت ایرانیان (ملی یا مذهبی) را حذف کنند ، یا کم رنگ جلوه دهند با واکنش مردم روبرو شده اند.

۳) با نگاهی عمیق به موضوع ، می توان گفت که احساس هویت دینی ، همچنین احساس بحران هویت دینی در موقعیتهای ذیل حاصل می شود :

الف) اگر سه حوزه ی عقیده ، گفتار و عملکرد دینی در انسان ، منسجم و هماهنگ عمل کنند ، احساس هویت دینی محقق خواهد شد و محصول هرگونه ناسازگاری بین سه امر مذکور ، احساسی است که می توان آن را بحران هویت دینی نام نهاد.

۴) جهانی شدن اگر از سوی کشورهای اسلامی به درستی و بطور صحیح درک شود فرصتهای بسیار مطلوبی در زمینه پیشرفت به دست خواهد آمد. به منظور جلوگیری از هجوم سیلاب جهانی شدن و تحت تسلط قرار دادن هویت ملی و مذهبی باید کار فرهنگی انجام شود.

واژگان کلیدی تحقیق

مفاهیم این تحقیق عبارتند از : هویت ، بحران هویت ، هویت ملی ، هویت دینی ، بحران هویت دینی ، جهانی شدن



سمینار هویت ملی اسلامی

مقدمه

زندگی اجتماعی بدون هویت و شناسه غیر ممکن و بی معنی است چرا که اگر شخص دارای هویت فردی معین به خود نباشد که با آن شناخته شود و دیگران را بشناسد و خود را بشناساند، هرگز نخواهد توانست ارتباط و تعاملی صحیح و معنی دار با پیرامون خود برقرار کند و بدون وجود چهار چوبی برای مشخص ساختن هویت اجتماعی و هویت‌های فردی، او همان می باشد که دیگری هست و هیچ یک از انسانها قادر نخواهد بود که نسبت معناداری بین خود و غیر خود با دیگری برقرار کند. در واقع، بدون هویت جامعه ای در کار نیست. از طرف دیگر در صورت عدم وجود شباهت و وجوه اشتراک در میان افراد یک مجموعه و گروه یا جامعه اتحاد آنان و حفظ یکپارچگی شان سختتر بوده و امکان فروپاشی جامعه بالا خواهد بود.

آثاری که در دوران معاصر از دیدگاه‌های مختلف درباره و پیرامون «هویت» به زبان های گوناگون نگاشته شده است، نه تنها از توجه بیشتر و اهمیت پرداختن به این مفهوم خبر می دهد که خود نشان از گسترش کاربرد آن و کوشش برای درک و دریافت کارکرد آن دارد. هویت پدیده‌ای است که از «من» آغاز و به «ما» منتهی می‌شود و از احساس استقلال فردی تا احساس تعلق اجتماعی گسترش می‌یابد. از آنجاکه هویت هم در شکل فردی و هم در شکل اجتماعی خود برآیند تعاملی اجتماعی است، با شناخت و بازیابی آن می‌توان زمینه رشد و توسعه را هموار ساخت و برای حل مسائل خرد و کلان جامعه، الگوهای عملی مناسبی به دست داد. از این‌رو، شاخصه‌های هویت ملی در منابع و بسترهایی گوناگون و در مؤلفه‌هایی متفاوت مانند نژاد، سرزمین، دین، فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم، زبان و مبانی فکری و فلسفی قابل بررسی است.

سازماندهی پژوهش

مباحث این پژوهش از یک مقدمه و پنج فصل و نتیجه گیری تشکیل شده است، که موارد آن به شرح

زیر بیان می گردد:

سمینار هویت ملی اسلام

(۱) مقدمه

(۲) فصل اول: ارائه و طرح کلیات تحقیق

(۳) فصل دوم: تعریف مفاهیم

(۴) فصل سوم: هویت و بحران هویت

(۵) فصل چهارم: هویت ملی - مذهبی ایرانیان

(۶) نتیجه گیری

(۷) فهرست منابع

فصل اول : کلیات پژوهش

بخش اول : ادبیات تحقیق

الف - طرح موضوع

موضوع تحقیق چالش های هویت ملی اسلامی می باشد. در این تحقیق قصد براین است که چالش های موجود بر سر راه هویت ملی و اسلامی در ابعاد نظری و عملی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. هویت چیست و چگونه شکل می گیرد؟ بحران هویت کدام است؟ چه پیامدهایی برجای می گذارد؟ بحران هویت دینی کدام است؟ و پدیده جهانی شدن چه تیشیری بر آن دارد؟ این سؤالات در راستای پرسشهای بنیادین و دغدغه هایی است که بشر کنونی را سخت تشنه خود ساخته است بشری که در عصر تکنولوژی عصر بحران معنی دنبال سؤال های بنیادین خود است. این نوشتار گامی است هرچند کوتاه در جهت پاسخگویی به تشنگامان ساحل معرفت.

ب - اهمیت موضوع

آنچه باعث شده که در این پژوهش به بررسی چالشهای هویت ملی و اسلامی و مسایل مربوط به آن بپردازیم این است که در سطح فردی و اجتماعی یکی از مهمترین مباحث جامعه بشری را به خود اختصاص داده است بطوری که در برخی مقاطع تاریخی پدیده ای با عنوان «بحران هویت» جوامع را به چالش می خواند و نباید علل بیرونی و درونی تبدیل به یک مسئله حیاتی شود. البته این بحران هویت می تواند در بخش های مختلف آن جلوه کند : مثل بحران در هویت ملی ، دینی ، انقلابی و ...

ج - روش تحقیق

سمینار هویت ملی اسلامی

روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی- تحلیلی می باشد. که از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده صورت می پذیرد. منابع تحقیق شامل : کتب موجود ، مقالات موجود در مجلات ، نمایه و اینترنت می باشد.

د- سؤال های اصلی پژوهش

- ۵) هویت و بحران هویت به چه معناست؟
- ۶) رابطه هویت ملی و هویت مذهبی در ایران چیست؟
- ۷) احساس هویت دینی و همچنین احساس بحران هویت دینی چگونه حاصل می شود؟
- ۸) پدیده جهانی شدن چه تأثیری بر هویت اسلامی خواهد داشت؟ آیا این تأثیرات مثبت است یا منفی؟

ه- فرضیه های اصلی پژوهش

- ۱) هویت یعنی آنچه که موجب شناسایی شخص باشد، یعنی آنچه باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد. پس هویت در خلا مطرح نمی شود حتماً یک خود وجود دارد و یک غیره و گرنه شناسایی معنا پیدا نمی کند. بحران هویت را می توان به عنوان ایجاد بی نظمی و اغتشاش غیر قابل کنترل در جریان یک فرایند و پروسه دانست.
- ۲) این واقعیت فرهنگی - اجتماعی (هویت ملی مذهبی ایرانیان) آن چنان با شخصیت عموم ایرانیان آمیخته است که گاهی پیروان برخی از نحله های فکری کوشش کرده اند که یکی از این دو پایه هویت ایرانیان (ملی یا مذهبی) را حذف کنند، یا کم رنگ جلوه دهند با واکنش مردم روبرو شده اند.
- ۳) با نگاهی عمیق به موضوع، می توان گفت که احساس هویت دینی، همچنین احساس بحران هویت دینی در موقعیتهای ذیل حاصل می شود:
الف) اگر سه حوزه ی عقیده، گفتار و عملکرد دینی در انسان، منسجم و هماهنگ عمل کنند، احساس هویت دینی محقق خواهد شد و محصول هرگونه ناسازگاری بین سه امر مذکور، احساسی است که می توان آن را بحران هویت دینی نام نهاد.
ب) هرگونه افراط و تفریط در سه امر مذکور، انحراف از فطرت دینی، به تعبیری عدم تعادل در احساس هویت و به تعبیر سوم، موجب احساس بحران در هویت دینی خواهد شد.
ج) قرار است آدمی در مجموعه ی هستی خلیفه ی خدا روی زمین و همچنین مظهر و تجلی صفات او باشد. هویت اصل انسان همین است؛ اما اگر مظهریت خود، همچنین آیین خلافت را به دست فراموشی بسپرد و برای خود وجودی مستقل قایل باشد و هستی و وجود خود را از آن خود بداند، تصویری دگرگون و غیرواقعی از خود ساخته و تبدیل به چیزی غیر خود شده و نهایتاً به بحران هویت دچار شده است.

۴) جهانی شدن اگر از سوی کشورهای اسلامی به درستی و بطور صحیح درک شود فرصتهای بسیار مطلوبی در زمینه پیشرفت به دست خواهد آمد. به منظور جلوگیری از هجوم سیلاب جهانی شدن و تحت تسلط قرار دادن هویت ملی و مذهبی باید کار فرهنگی انجام شود.

و- پیشینه پژوهش

با توجه به تفحصی که پیرامون موضوع مورد نظر شده متوجه می شویم که برای بررسی چالش های هویت ملی اسلامی هر کدام بطور جداگانه کتب و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده که هر یک بطور مستقیم یا غیر مستقیم موارد ذکر شده را مورد بررسی قرار داده اند. اما بررسی مقالات و کتب موجود نشان می دهد که تا بحال مقاله ای که موضوع این پژوهش را مورد بررسی قرار داده باشند یافت نشد. گرچه کتب و مقالات به صورت پراکنده بحران هویت ملی و هویت ملی مذهبی یا بحران هویت دینی را بررسی نموده اند. عنوان پژوهش حاضر (چالش های هویت ملی اسلامی) هم عنوان جدیدی است و هم از زاویه جدید به بررسی این مسئله پرداخته است.

ز- واژگان کلیدی تحقیق

مفاهیم این تحقیق عبارتند از: هویت، بحران هویت، هویت ملی، هویت دینی، بحران هویت دینی، جهانی شدن

سمینار هویت ملی اسلامی

فصل دوم: تعریف مفاهیم

در این فصل بصورت مفصل به بررسی مفاهیم تحقیق می پردازیم.

بخش اول: مفهوم هویت

هویت یعنی:

۱- ذات باری تعالی

۲- هستی ، وجود

۳- آنچه موجب شناسایی شخص باشد.

۴- حقیقت جزئی، یعنی هرگاه ماهیت با تشخص، لحاظ و اعتبارشود هویت گویند (یعنی ماهیت شخص با در نظر گرفتن و تشخص داشتن به وجودی محسوس و مادی) گاه هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخص است و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است^۱

هویت را غالباً به معنای حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، می دانند یا به عبارت دیگر آنچه منسوب به (هو) باشد و در تعریف دیگری همانطور که اریکسون می گوید: یک هویت شخصی مستحکم این امکان را برای یک جوان مهیا می کند که آشنایی خویش را با سایر مردم توسعه بخشد.^۲

بیشتر روانشناسان هویت را در مقابل بی هویتی یا گم کردن خویش و به طور روشن تر در برابر خود بیگانگی قرار می دهند و تشکیل هویت را شامل تحقق سه پدیده می دانند که آنها عبارتند از: احساس تداوم و ثبات، احساس اینکه دیگران او را فردی با ثبات بشناسند و اطمینان فرد به ثبات شخصیت خود.

درفرنگ عمید: هویت یعنی حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود و منسوب به هو می باشد.^۳

فرهنگ دهخدا: هم معنای مشهور هویت را در میان حکما و متکلمان، تشخص دانسته است.

۱- محمد رضا شرفی ، جوان و بحران هویت ، سروش ، ص ۱۳
۲- محمد رضا شرفی ، جوان و نیروی چهارم زندگی ، سروش ، ص ۱۶۳
۳- همان ، ص ۱۶۳ و ۱۶۴

فرهنگ معین: آنچه که موجب شناسایی شخص باشد، یعنی آنچه باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد. پس هویت در خلا مطرح نمی شود حتما یک خود وجود دارد و یک غیره و گرنه شناسایی معنا پیدا نمی کند. هویت بیشتر در زمینه های اجتماعی است که جای بحث دارد و در این مجال نمی گنجد.^۱

فرهنگ آکسفورد: به عنوان کیستی و چیستی فرد از هویت یاد می کند. به تعبیر ویلیام هامونی یکی از ایران شناسان و شرق شناسان، ما تا ندانیم که بودیم، نمی توانیم بدانیم که هستیم. یعنی شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست و تا ندانیم که چگونه در جایی که هستیم رسیده ایم، نمی توانیم بدانیم که کجا می رویم.^۲

این سخن پرمعنا و پرمغزی است، ماهر کجا که می خواهیم برویم چه در قالب توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی یا توسعه فرهنگی، اول باید ببینیم که در تاریخ چه بوده ایم؟ چگونه به اینجا رسیدیم که الان هستیم، رسیده ایم؟ این گذشته را باید خوب شناخت.

بخش دوم: بحران هویت

بحران را به عنوان ایجاد بی نظمی و اغتشاش غیر قابل کنترل در جریان یک فرایند و پروسه می دانم. به عنوان مثال: جوی آبی را در نظر بگیریم که جریان مداوم و آرام آب در آن از مبدا معین به سوی هدف معین در جریان است. حال به شکل ناگهانی ضربه های فیزیکی و شدید به این جریان آرام وارد آید، اغتشاش در آن ایجاد می گردد و اگر این ضربه خیلی شدید باشد ممکن است جریان از مسیر صحیح خود خارج گردد و هدف مطلوب تامین نگردد. همچنانکه سابقا اشاره شد هویت طی زمان تغییر می یابد و هرگز ثابت و راکد نمی باشد. در حالت نرمال این تحولات آرام و قابل کنترلند بنابراین مشکل ساز نمی باشند ولی اگر در یک جامعه بر اثر شوک و ضربه ای مصنوعی و غیر طبیعی سیر تدریجی تحولات و تغییرات هویتی به هم بخورد یا سرعت تحولات بالا و غیر قابل کنترل باشد، می تواند بحران هویتی در جامعه ایجاد نماید. چرا که فرد قدرت انطباق با شرایط به شدت متغیر و ترمیم گسست های فرهنگی و هویتی ایجاد شده در جامعه، خانواده و حتی درون خود را هم نخواهد داشت. همچنانکه اشاره شد، تبعات این بحران شدید و خطرناکند. از جمله گسست نسل ها، رشد ناهنجاری های اجتماعی و عمومیت یافتن این ناهنجاری ها، تخریب ارزشها و اصول اخلاقی، عدم پایبندی به نهادهای اجتماعی و قوانین عرفی و مدنی، از بین رفتن

۱- عماد افروغ، فرهنگ عمومی، هویت شناسی مذهبی و باورهای دینی ایرانیان، فصلنامه، ش ۲۲ و ۲۳، ۲- همان

معنی در زندگی و گسترش پوچی و سرگستگی، رشد فساد و بی بندوباری و... معضلاتی هستند که تا حدود زیادی معلول بحران هویت در جوامع می باشد.

انسانی که خود و محیط پیرامونی اش را به شکل صحیح درک نمی کند و احساس تعلق به فرهنگ و تمدن خود ندارد، از یک طرف دچار پوچی و سردرگمی است و از طرف دیگر به دلیل همین عدم تعلق، هیچ تعهدی نسبت به قوانین و ارزشها و هنجارهای خانواده و جامعه ندارد، موجودی است پا در هوا و از خود بیگانه که از یک طرف دچار تعارضات شدید شخصیتی و عدم شناخت و معرفت درونی نسبت به خود است و از طرف دیگر به علت عدم احساس تعلق به جامعه و حس بیگانگی نسبت به آن، اصول و قوانین و ارزشهای جامعه برایش بی معنی اند. بدیهی است که اینچنین فردی بسیار مستعد بزهکاری و انحراف است.^۱

بخش سوم : هویت ملی

هویت ملی از انواع هویت جمعی و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و احساس وفاداری به آنست. هویت ملی و قومی در کشاکش تصور "ما" از "دیگران" شکل می گیرد: "هویت ملی" زاده عصر جدید است که ابتدا در اروپا سر برآورد و آنگاه از اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین های دیگر راه یافت. اما، در واژگان علوم اجتماعی هویت ملی از ساخته های نیمه دوم قرن کنونی است، که به جای "خلق و خوی ملی" (کاراکتر ملی)، که از مفاهیم عصر تفکر رومانتیک بود، رواج گرفت. بررسی عینی و آفاقی هویت ملی به گونه ای که بری از تعلقات ذهنی و انفسی باشد کاری دشوار است، چه هویت ملی هم یک پدیده پیچیده اجتماعی است و هم بار عاطفی سنگینی دارد. در این جا توجه به چند نکته اساسی ضروری است. یکی این که ملت و هویت ملی همچون دیگر پدیده های اجتماعی، مقوله ای تاریخی است که در سیر حوادث تاریخی پدیدار می شود، رشد می کند، دگرگون می شود و معانی گوناگون و متفاوت پیدا می کند. از این رو از عوامل گوناگون ملت مانند نژاد، سرزمین، دولت و تابعیت، زبان، سنن مشترک فرهنگی و ریشه های تاریخی، دین و اقتصاد هیچ کدام یا هیچ مجموعه مشخصی از آنها را نمی توان به عنوان ملاک عام برای تعریف و تمیز ملت و هویت ملی به کار برد. در مورد هر قوم یا ملت در هر دوره ای مجموعه یی از چند عامل اهمیت می یابد و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی آن را دگرگون می کند. هویت ملی امری طبیعی و ثابت نیست که پایه های مشخص عینی و آفاقی داشته باشد، بلکه پدیداری است انفسی که ریشه در تجربه ها و تصورات جمعی مردم دارد، در دوره تاریخی معینی ابداع می شود، قباله تاریخی برای آن تنظیم می گردد، خاطرات تاریخی برای آن ساخته می شود و در سالگردها و سالروزها زنده می ماند. این که می گویند «ابتدا تصور ملت پیدا می شود و آنگاه خود ملت پدید می آید» در مورد غالب کشورهای امروزی جهان مصداق دارد. در دهه پایانی قرن کنونی نیز ما شاهد هیجان ملی اقوام بسیاری هستیم که می خواهند از بهم بستن عوامل

۱- رسول سواران، بحران هویت در ایران، سایت: شامان ترک ائلی، برگرفته از: ریچارد جنکینز، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یاراحمدی

قومی و زبانی دولت ملی و ملیت مستقلی برای خود ایجاد کنند. هویت ملی، که بر پایه روبرویی "ما" با "دیگران" بنیاد می‌گیرد، هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند به نیرویی ویرانگر بدل شود. احساس هویت ملی اگر در حد معقول و معتدل قرار گیرد می‌تواند نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی باشد و اگر به قلمرو تعصبات ملی و قومی و نژادی وارد شود و یا به بهانه چالش با تعصبات قومی به نفی و انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند نیرویی ویرانگر خواهد شد، زاینده دشمنی و ستیزه‌جویی است. هویت ملی هنگامی پدید آمد که ملت " به معنای امروزی آن شکل گرفت. در دوران قدیم که مردم در اجتماعات کوچک محلی بسر می‌بردند، رابطه ایلی و طایفه‌ای اساس روابط اجتماعی بود و جامعه بزرگتر، اگر پدید می‌آمد، در حدّ دنیای وسیع ادیان جهانی مثل اسلام و مسیحیت بود. چنان که لفظ ملت در سرزمین های اسلامی به معنای دین و آیین و شریعت بود: ملل و نحل اسلامی، ملل متنوعه یهود و نصاری و زرتشتی، رؤسای ملت یا مجتهدان^۱.

در زبان های اروپائی واژه ملت (nation) از واژه لاتینی (natio) مشتق شده است که دلالت دارد بر مردمانی که از راه ولادت با یکدیگر نسبت دارند و از یک قوم و قبیله اند. اما در جریان شکل گیری دولت های ملی در عصر جدید گاهی سیر حوادث تاریخی مردمانی را که از اقوام گوناگون بوده‌اند گرد هم آورده و از آن ها یک ملت به وجود آورده است. ملت‌هایی که آمیخته‌ای از اقوام و طوایف همگونند؛ گاه همزبانند و گاه ناهمزبان؛ گاه همدینند و گاه ناهمدین. و تازه آنان که همخونند و یا همزبان گاه در سرزمینی به هم پیوسته زندگی می‌کنند و زمانی در جاهای پراکنده، و آنان که پراکنده اند گاه خود را از یک ملت می‌دانند و گاه به چند ملت تعلق دارند. این دشواری و ابهام در تعریف ملت سبب پیچیدگی تعریف هویت ملی، ملیت، ملی گرای، آگاهی ملی، خصائل ملی، اراده ملی، و حاکمیت ملی است که جملگی از مفهوم ملت نشأت گرفته‌اند. در علوم اجتماعی و انسانی نظر غالب آنست که ملت " نه نژاد مشترک است و نه دولت مشترک، بلکه عوامل و عناصر اصلی ملت و ملیت زبان مشترک، دین مشترک، و سرزمین مشترک است بدون آن که هیچ کدام از عوامل سه گانه به تنهایی شاخص ملت و ملیت باشد. برخی از رشته ها، مثل علوم سیاسی، ملت را از مفاهیم اساسی نمی‌دانند و به جای آن از مفاهیمی چون دولت و اقتدار سیاسی و جامعه‌ی مدنی استفاده می‌کنند. در جغرافیا سرزمین مشترک را عامل اصلی پیوندهای ملی می‌دانند و در فلسفه وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک را. در این میان انسان شناسان و جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی بیشتر به مفهوم هویت "ما" و "احساسات مشترک" و "آگاهی جمعی" توجه دارند که شالوده هویت ملی و قومی به شمار می‌آید.^۲

۱- جمعی از نویسندگان ۲۳۳، ایران‌شناسی، سال ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۱، ص ۲۳۳
۲- احمد اشرف، مجران هویت ملی و قومی در ایران، ایران نامه، سال دوازدهم، شماره ۳

بخش چهارم: هویت دینی و بحران هویت دینی^۱

نگاهی نسبتاً عمیق به موضوع، می‌توان گفت که احساس هویت دینی، همچنین احساس بحران هویت دینی در موقعیتهای ذیل حاصل می‌شود:

۱- اگر سه حوزه عقیده، گفتار و عملکرد دینی در انسان، منسجم و هماهنگ عمل کنند، احساس هویت دینی محقق خواهد شد و محصول هر گونه ناسازگاری بین سه امر مذکور، احساسی است که می‌توان آن را احساس بحران هویت دینی نام نهاد.

۲- هرگونه افراط و تفریط در سه امر مذکور، انحراف از فطرت دینی، به تعبیری، عدم تعادل در احساس هویت و به تعبیر سوم، موجب احساس بحران در هویت دینی خواهد شد. انحراف از فطرت الهی، دوستی و همراهی با شیطان و فراموشی یاد خدای متعال، تعادل روانی انسان را برهم می‌زند و موجبات افسردگی و اضطراب را فراهم می‌آورد. چنین انسانی به نی‌جدا مانده از نیستان می‌ماند؛ لذا طبیعی است که پیوسته در جوش و خروش باشد و از نفیر آن، مرد و زن به ناله درآیند. عملکردها یا پندارهای متناقض یا متضاد با دین، پیوسته برای فرد این سؤال را پیش می‌آورد که «آیا به راستی من دین دارم و آیا به مقتضای عقاید دینی خود عمل کرده‌ام؟». به هر حال، احساس ناشی از ناهماهنگی در سه امر شناخت، کردار و گفتار دینی، وضعیت را ایجاد می‌کند که می‌توان آن را احساس بحران هویت دینی نامید و این تقریباً همان احساسی است که ممکن است در صورت ایجاد هر بحران هویتی به وجود آید.

۳- قرار است آدمی در مجموعه‌ی هستی خلیفه‌ی خدا روی زمین و همچنین مظهر و تجلی صفات او باشد. هویت اصیل انسان همین است؛ اما اگر مظهریت خود، همچنین آیین خلافت را به دست فراموشی بسپرد و برای خود وجودی مستقل قایل باشد و هستی و وجود خود را از آن خود بداند، تصویری دگرگون و غیرواقعی از خود ساخته و تبدیل به چیزی غیر خود شده و نهایتاً به بحران هویت دچار شده است. هویت واقعی انسان به او این احساس را می‌دهد که خود را موجودی سراسر فقر، عین الربط به خالق، سراپا نیاز و مسکنت (تصویر واقعی) ببیند. اگر خودپنداره‌ی او مطابق با واقع نباشد و خود را کسی بیندارد که واقعاً نیست (تصویر غیر واقعی یا خیالی)، مصداق تام احساس بحران هویت دینی در او شکل گرفته است.^۲ قرآن کریم به صراحت ماجرای کسانی را بیان می‌کند که هویت واقعی خود را باخته، از پوست خود درآمده و گونه‌ای دیگر شده‌اند.

دگرگونی‌های مورد نظر قرآن کریم در انسانها، به تعبیری، تغییر یا به تعبیر روشنتر، تبدیل هویت انسانها - هر چند نهایتاً دارای یک منشأ، یعنی مخالفت با فرمان خدای متعال است که همان مخالفت با فطرت است -

۱- غلامرضا متقی فرد ، هویت و بحران هویت ، سایت: درگاه پاسخگویی به مسایل دینی
۲- محمد حسین طباطبایی ، تفسیر المیزان ، سوره حشر ، آیه ۱۹

دست کم در دو سطح اتفاق افتاده است که اولین تغییر همزمان با تبدیل بنیادی در جسم و روان، و دومین تغییر و تبدیل فقط در بعد روانی انسانها صورت گرفته است.

بخش پنجم: جهانی شدن

جهانی شدن یکی از مهمترین مسائلی است که امروزه ذهن بسیاری از دانشمندان و اندیشمندان سیاسی، اقتصادی و سایر علوم را به خود معطوف کرده است. ابعاد مختلفی که این پدیده نوظهور دارد باعث شده است که درک صحیحی از این موضوع مشکل و دشوار باشد و نتوان تعریف روشنی از آن کرد. از دیگر مشکلاتی که جهانی شدن بوجود آورده است، تاثیرات مختلفی است که بر کشورها و جوامع بشری می گذارد. تاثیرات بسیاری در زمینه اقتصادی، سیاسی، فرهنگ وادیان و سایر زمینه های دیگر که ممکن است کوچک شمرده شوند اما تاثیرات عمیق و قابل توجهی را در پی خواهد داشت. حال سئوالاتی مطرح می شود که این پدیده یعنی جهانی شدن را چه عاملی بوجود می آورد، آیا عامل سازنده آن نظام سرمایه داری جهان است یا قدرتهای پیشرفته و صاحب نفوذ و آیا اینکه تمام کشورها ناگزیر از پیوستن به چنین مجموعه ای هستند یا می توانند از آن بگریزند.^۱

البته در زمینه جهانی شدن نظریات و مقالات گسترده ای نوشته شده که عده ای درصدد تایید آن و برخی در پی نفی آن بوده و نقاط ضعف آن را بیان کرده اند.

اینک با توجه به مطالب گفته شده بهتر است تعریفی اجمالی از آن ارائه دهیم اگر چه نمی توان تعریفی ارائه داد که قابل قبول همه باشد: جهانی شدن، فرایندی است که به موجب آن دولتها ی مختلف جهان به یکدیگر نزدیک و وابسته می شوند و بر حوادث و وقایع در زمان کوتاه در مکانهای دور تاثیر می گذارند. این موج تازه به وسیله رسانه های پیشرفته همه مرزهای جغرافیایی و تاریخی و مذهبی و ملی را می پیماید و زندگی فردی و اجتماعی ملت‌های جهان را تحت تاثیر قرار می دهد.^۲

اصولا جهانی شدن خود بخود و طبیعی به سوی محقق شدن پیش می رود و این اعمال قدرت کشورهای قوی است که پدیده جهانی شدن را از روند طبیعی خود خارج کرده است.

در غیر این صورت حتی کشورهای ضعیف و عقب مانده نیز می توانند در روند نقش داشته باشد. چرا که زمانی که جهانی شدن بطور کامل تحقق یابد می توان بوسیله ابزار بسیار ساده، اطلاعات کافی و مورد نیاز خود را به دست آورد.

اما همواره عواملی هستند که بر این پدیده تاثیر گذار هستند و از اینکه تمامی کشورها بتوانند در این روند سهیم باشند جلوگیری می کنند.

۱- عبدالرضا پویا، چالش های فرهنگی ایران با جهانی شدن، نگاه حوزه، ۹۹-۹۸، چاپ ۱۳۸۲، ص ۳۹-۴۲
۲- جلیل مسعودی فر، حفظ فرهنگ ایرانی اصلاح در فرایند جهانی شدن، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷

در اینجا به دو علت به ان عوامل اشاره می کنیم :

الف) اولین عامل را می توان در عقب ماندگی کشورها و نابرابر بودن امکانات و توانمندیها دانست . از آنجا که بیشتر امکانات اطلاع رسانی در اختیار کشورهای قدرتمند و سرمایه دار وجود دارد بنابراین دسترسی به تمامی کشورها به این ابزار محدود می شود پس طبیعی به نظر می رسد که فقط کشورهای سرمایه داری تاثیرات عمیق در پدیده جهانی شدن داشته باشند .

ب) مادی گرایی غرب در روند جهانی شدن : اصولا مسیری که اکنون در جهانی شدن طی می شود و منتهی به نظام سرماییداری است . آمریکا از کشورهایی است که از این مسیر حمایت می کند ، زیرا اگر این روند اینگونه که هست طی شود ، کشورهای مصرف کننده و وابسته را بوجود می آورد که بسیار به نفع آمریکا و نظام سرماییداری است . بنابراین با حذف کامل بلوک شرق زمینه برای ظهور و خود نمایی غرب به طور کامل فراهم آمده است . اگر غرب این روند را طی کند و کشورهای جهان سومی فکری برای توقف این روند ناصحیح نکند نتیجه ای جز عقب افتادگی ، تهاجم فرهنگی و تحمیل سیاسی و بسیاری از مشکلات نخواهد بود ، چه آنکه هم اکنون آثار زیادی از این پدیده در جهان دیده می شود من جمله اشغال کشورها ، تحریمهای اقتصادی ، بالا و پایین رفتن قیمت نفت که تمام این موارد زیر نظر نظام سرمایه داری جهان قرار دارد ^۱ .

سینار هویت ملی اسلام

فصل سوم: هویت و بحران هویت دینی

هویت دینی چیست و چگونه شکل می‌گیرد؟ بحران هویت دینی کدام است؟ چه پیامدهایی برجای می‌گذارد؟ این سؤالات در راستای پرسش‌هایی بنیادین و دغدغه‌هایی است که بشر کنونی را سخت تشنه خود ساخته است بشری که در عصر تکنولوژی عصر بحران معنی دنبال سؤالیهای بنیادین خود است. عملکردها یا پندارهای متناقض یا متضاد با دین، پیوسته برای فرد این سؤال را پیش می‌آورد که «آیا به راستی من دین دارم و آیا به مقتضای عقاید دینی خود عمل کرده‌ام؟». «به هر حال، احساس ناشی از ناهماهنگی در سه امر شناخت، کردار و گفتار دینی، وضعیتی را ایجاد می‌کند که می‌توان آن را احساس بحران هویت دینی نامید و این تقریباً همان احساسی است که ممکن است در صورت ایجاد هر بحران هویتی به وجود آید.

از دیدگاه دینی، عواملی از قبیل تزوین اعمال (که آدمی با القای شیطان رفتارهای ناپسند خود را پسندیده بیندارد)، تعلق افراطی به دنیا و حب افراطی نفس، به گونه‌ای که همه چیز را فدای رسیدن به لذات خود کند و حاضر نباشد خود را برای ارزش والاتری فدا نماید، و خروج از مرز تعادل اخلاقی را می‌توان عوامل بحران هویت نامید. همچنین قساوت دل، انعطاف ناپذیری در برابر کلام حق، موعظه ناپذیری و زنگار زدن دل و آنچه که قرآن کریم با تعبیر «رین» (كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ) ^۱ «زیغ» (فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ)، ^۲ «طبع» (طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ)، ^۳ «ختم» (خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً)، بیان می‌کند را می‌توان از علایم بحران هویت دانست. به هر حال، هر یک از روانشناسان در تعریف خود از هویت، به جنبه‌ای از آن توجه داشته‌اند، بدون آن که جنبه‌های متفاوت آن دقیقاً از یکدیگر تفکیک شود؛ البته از آنجا که ابعاد روانی انسان به نوعی درهم تنیده است و گاه قابل تفکیک نیست، نمی‌توان برای هویت‌های مختلف انسان، اعم از دینی، فلسفی، اجتماعی، روانشناختی و... مرز دقیقاً جدایی تصور کرد.^۵

اسلام به روشنی دیدگاه ((انترناسیونالیستی)) دارد و مردم را در قالب فرزندان خاک و نژاد ملاحظه نمی‌کند؛ بلکه سرشت بنی آدم را از یک گوهر دانسته و آنان را با هم برابر می‌داند. از نظر اسلام پرداختن به هویت ملی تا آنجا که هویت اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهد اشکالی ندارد؛ ولی اگر بنا باشد به جای دین بنشینند و دیدگاه‌های خود را بر کرسی بنشانند، طبیعی است که با روند اصلی بینش دین در تضاد است. پس باید دیدگاهی نقادانه و هشیارانه در برابر مدعیان ((هویت ملی)) داشت؛ بدین صورت که عناصر مفید آن را ارج نهاد و منطقه‌های غیر ارزشی و موهوم آن را رها ساخت.

۱-سوره مطفین ، آیه ۱۴

۲-سوره آل عمران ، آیه ۷

۳-سوره محمد، آیه ۱۶

۴-سوره بقره ، آیه ۷

۵-غلامرضا متقی فرد ، پیشین

بخش اول : عوامل که باعث ایجاد بحران هویت دینی افراد می شود^۱

مسأله بحران هویت و تقلید کورکورانه مظاهر تمدن غرب توسط افراد پدیده‌ای است که دارای علل متعدد و سابقه طولانی می باشد که به برخی از مهمترین عوامل این پدیده شوم اشاره می نماییم: نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شد، نشان می دهد که هر چه احساس بی هویتی اجتماعی افراد نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جامعه خویش بیشتر شود، احساس هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی، رفتاری و نمادی حاکم بر گروه‌های غربی بیشتر می شود. از جمله عواملی که زمینه‌های این روند را فراهم نموده و به آن شدت می بخشد عبارتند از:

(۱) مظاهر زیبا و دلغریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی است و از دیگر سو محصول غارت و به کارگیری سرمایه‌های کشورهای عقب‌مانده و ضعیف است.

(۲) به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

(۳) ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش‌آفرین در صحنه تفکر اجتماعی (مانند برخی از روشنفکران غرب‌زده و مطبوعات وابسته به خارج).

(۴) به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلامی در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

(۵) عدم آشنایی بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی .

به نظر می رسد از جمله مناسب‌ترین راهها برای مصونیت بخشیدن جوانان از بحران هویت و خارج ساختن آنان از باتلاق «الناسیون» و از خود بیگانگی، بازگرداندن آنها به ساحل نجات هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی است و در این عرصه، نزدیک‌تر شدن گروه‌های همسال و جوانان متفکر، متدین و با اخلاق به آنان، گامی مهم در جهت جذب آنان می باشد.

بخش دوم : راه های مبارزه با بحران هویت دینی

بر این اساس مهم‌ترین راه‌های مبارزه با آن عبارتند از ک

(۱) حفظ و تعمیق ارزش‌های اسلامی و ملی از طریق فرآیند صحیح جامعه‌پذیری و عوامل آن مانند

خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و... و آگاه نمودن جوانان با پیشینه‌های درخشان تمدن اسلامی و دستاوردهای مادی و معنوی عظیم انقلاب اسلامی.

(۲) تحقق حیات طیبه اسلامی و حفظ ارزش‌های انقلابی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی و تأمین رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای مردم در سایه ایمان به خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی .

(۳) هوشیاری و بیداری در مقابل انحراف معنوی جامعه اسلامی .

۱- متین، آیا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و بیان عوامل مبارزه با آن ، درگاه پاسخگویی به سؤالات دینی ، ۱۳۸۵/۹/۲۳

۴) احیای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن حفظ و بقای فرایض و ارزش‌های الهی می باشد .

۵) تحقق‌باوری عمیق، درونی، ریشه‌دار، عقلانی و مبتنی بر نظام ارزش اسلام در مدیران جامعه به معنی کسانی که در دستگاه‌های رسمی، تقنینی، اجرایی، قضایی، نظامی، انتظامی، آموزشی، فرهنگی و تبلیغی و... نقش ایفا می کند. نسبت به جایگاه و اهمیت اساسی این مجموعه، در جهت‌گیری فرهنگی و ارزشی جامعه و خارج شدن این مجموعه از حالت انفعال، یأس و اعتقادات پنهان جبرگرایانه که روحیه سازش و تسلیم در برابر فرهنگ واحد جهانی را به دنبال خواهد داشت .

۶) تلاش و تدبیر جدی، گسترده و عمیق برای لحاظ نظام ارزشی مطلوب در همه فعالیت‌ها و اقدامات، در بخش‌های مختلف جامعه و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...

۷) تبلور و تجلی این نظام ارزشی در رفتار حقیقی و حقوقی مدیران، ساختار کلان کشور و برنامه‌های اجرایی



سمینار هویت ملی اسلام

فصل چهارم: هویت ملی - مذهبی ایرانیان^۱

بخش اول: هویت ملی مذهبی ایرانیان:

این واقعیت فرهنگی - اجتماعی آن چنان با شخصیت عموم ایرانیان آمیخته است که گاهی پیروان برخی از نحل‌های فکری، کوشش کرده‌اند که یکی از این دویایه هویت ایرانیان (ملی یا مذهبی) را حذف کنند، یا کم رنگ جلوه دهند با واکنش مردم روبرو شده‌اند. واکنش مردم در برابر کشف حجاب، تغییر مبدا تاریخ ایران از هجری - شمسی به شاهنشاهی و حذف تاریخ نهضت ملی ایران و نماد آن (دکتر مصدق) قبل و بعد از انقلاب، نمودار این واقعیت تاریخی است، و این مطلب را روشن می‌کند که مردم ایران به هویت ملی و مذهبی خود پا برجا بودند و سعی کردند این دواصل را با تمام وجود حفظ کنند و چنان این هویت در وجودشان ریشه دوانده بود که با کوچکترین چیزی که فکری کردند هویت ملی و مذهبی ایشان خدشه دار می‌شود، به مقابله با آن می‌پرداختند.^۲

هویت ملی با هویت ایرانی، یکی نیست و نباید آنها را با هم مشتبه کرد ولی این به معنای نفی ارتباط بین این دو نیست. البته در حوزه فرهنگی ایرانی، هر زمان که در ایران بحران هویت شکل گرفته، یک پاسخ داده شده است، انقلاب اسلامی ما پاسخی به یک بحران بود. همان طور که شاهنامه فردوسی پاسخی بود به بحران هویت ناشی از تفکر به اصطلاح امویان و شرایط آن زمان. هویت ایرانی به عنوان یک انگاره سیاسی و مذهبی به ساسانیان برمی‌گردد اما به عنوان یک مفهوم قومی، مذهبی و ارضی سابقه دیرینه دارد، دیگر اینکه به استناد به غربی‌ها: ایرانیان هیچ‌گاه بت پرست نبوده‌اند، هیچ‌گاه تندیزی نداشته‌اند و اگر تندیس‌هایی را می‌بینید مربوط به قبل از زرتشت است و یا به دوران اشکانیان و سلوکیان که تحت تأیید تفکرات یونانیان قرار گرفته، برمی‌گردد.^۳

وجه غالب ایرانیان، خدا پرستی و یکتا پرستی آنان بوده است حتی زرتشتی‌ها هم قائل به ثنویت (دوگانگی در معبود) نیستند بلکه قائل به ثنویت در آفریننده نیکی‌ها و سرور هستند و حتی خیلی از آنها می‌گویند که اهرمن وجود خارجی ندارد و عدم است.^۴

سمینار هویت ملی اسلامی

۱- محدثه هاشمیان فرد، هویت ملی مذهبی، مدرسه علمیه نرجس (س)، ۲۰۰۵/۱/۶
۲- محمد توسلی، هویت دینی و ملی تکیه گاه ملت ایران، فصلنامه، ش ۱۸، ص ۳۲
۳- عماد افروغ، هویت شناسی مذهبی و باورهای دینی ایرانیان، فصلنامه شماره ۲۲ و ۲۳، فرهنگ عمومی
۴- همان، ص ۱۳

بخش دوم: ارتباط هویت ایرانی و تشیع

ایرانیان با فلسفه تاریخی شان، بایکتا پرستی شان، با نگاه سلسله مراتبی شان و تلفیق دین و سیاستشان، آرزوهاشان را در اسلام و مذهب شیعه می یابند. ولی این فرهنگ مساعد در اعراب وجود نداشت چون اعراب بت پرست بودند و بت های مختلفی می پرستیدند و یکتا پرست نبودند و نتوانستند نگاه سلسله مراتبی داشته باشند و تا امامت بیایند پس در همان نبوت متوقف شدند.

تا زمان ساسانیان وفاداری به شاه و سلطان وجود داشت و این جزوه هویت ایرانی بود اما پس از آن با ورود فرهنگ و تمدن اسلامی، وفاداری به شاه جای خود را به وفاداری به مذهب می دهد، ایران با حمله اعراب دچار بحران هویت شدند ولی پس از آن هویت اسلام و سپس تشیع را پذیرفتند. ولی زبان ایرانی شان را حفظ کردند. این هویت که در دوران ساسانیان ابداع شده بود در عهد صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایرانی متجلی شد، یعنی تشیع صفوی بزرگی در همبستر کردن اجزا پراکنده هویت ایرانی داشت.^۱

شیعه و فرهنگ ایرانی دو عنصر لاینفک (جدا نشدنی) هستند و اینکه می گویند ملی- مذهبی بیان درستی نیست زیرا اینها در واقع یکی هستند و اگر قرار به تقدم باشد، هویت دینی مقدم است. عنصر اساسی هویت ایرانی، دینداری است.

ریچارد فرای مطلبی می گوید که بیانگر آمیزش دین و فرهنگ از یک سو و اهمیت و جایگاه خاص فرهنگ ایرانی در جهانی شدن تمدن اسلامی از سوی دیگر است. به اعتقاد او اسلام تا زمانیکه با فرهنگ ایرانی، پیوند نخورد، جهانی نشد. فرهنگ ایرانی نقش عظیمی در احیا و تقویت تمدن اسلامی ایفا می کند. همان طور که مسیحیت نیز تا زمان پیوند با تمدن یونان جهانی نشد.

ما در دوران بنی امیه نمی توانیم از شکوفایی تمدن اسلامی صحبت کنیم از بنی عباس است که ما شاهد اوج تمدن اسلامی هستیم و این زمانی است که خلافت اسلامی با نوع تفکر ایرانی پیوند و آمیزش برقرار می کند.

بخش سوم: هویت اسلامی ایرانی از نگاهی دیگر

تناورترین درختان کهنسال (باغ معارف بشری) در سرزمین ما و کوهپایه ها و دامنه های فرهنگ دینی ما روئیده و قد کشیده است.

ملت وامتی که به قداست (کعبه) و حرمت مدینه و الهام بخشی کربلا پایبند است و وطن معنوی خویش را تا آنجا که یک مسلمان موحد و گویای (لا اله الا الله) نفس می کشد، گسترده می بیند، دریغا که دلباخته پاریس و لندن و مفتون مسکو و واشنگتن و مجذوب ژاپن و سوئد شود. منظور ساختمان و صنعت

۱- پیشین ، ص ۱۴

ومعماری وجاذبه های توریستی نیست بلکه محتوای فکری وفرهنگی وغنای اندیشه وفرهنگ است. سازندگان فرهنگ درجوامع غربی، هرروزبا شخصیت ها وقهرمان های متفاوت برای ما الگوسازی می کنند ولی وقتی ما خودمان فرهنگ وهنروفکروتمدن داریم باید قهرمان والگوهای ما هم ازهمین فرهنگ وتمدن باشند.^۱

به عبارت دیگرهویت ما، اسلامی ومحمدی است، عاشورایی وقرآنی است، علوی ونهج البلاغه ای است، نمازی وتقوایی، معادی وبهشتی وآیاتی وآفاقی است. کسیکه غنای روحی دارد ثروتمند ترین انسان ها است، جامعه ای که فرهنگ اصیل داشته باشد ریشه دارترین ملل عالم است. شخصی که چگونه بودن وچگونه زندگی کردن را ازآفریدگارخود می جوید وراه کمال را درشعاع پرنوروحی تشخیص می دهد، وتکیه گاهش فطرت است ورویش ورشدش دربسترآئین آسمانی هویتی شناخته شده تروبالنده ترگردد.^۲

بخش چهارم : مهم ترین عناصرهویت ملی درایران

هویت هرملتی عناصری دارد، هویت ملی ایرانیان هم عناصری دارد ازجمله:

۱- سرزمین: هیچ جمعیتی بدون داشتن سرزمینی که خاص آنها است به عنوان یک ملت شناخته نمی شوند. علاوه برقلمروجغرافیایی یک سرزمین. منابع زیرزمینی، آب وهوا، زیرساختهای اقتصادی. منطقه های استراتژیک و... همه جزئی ازسرزمین ملی به حساب می آیند. وایران اسلامی به جهت موقعیت استراتژیک ومنابع زیرزمینی ودرسالهای اخیرپیروزی انقلاب اسلامی اهمیت بیشتری پیدا کرده است.^۳

۲- دین ومذهب: دین یکی ازعناصرپایدارودائمی درهمه تمدن ها است. ایران مهد یکی ازادیان الهی (زرتشت) بوده ودرعصراسلامی نیزدین اسلام نقش برجسته ای درفرهنگ وتمدن ایران داشته است. درایران دین همواره با قدرت وحاکمیت درارتباط بوده است ودرشکل دهی (هویت ملی) نقش برجسته ای داشته است. درهرزمان این ارتباط به نحوی وجود داشته است وهم اکنون ودرعصرحاضرهم این دین بود که با اتحاد دربین مردم باعث ایجاد تحولی بزرگ به نام انقلاب اسلامی شد. ودرمطالعه هویت ملی ایرانیان، هرگز نمی توان ازنقش دین ومذهب غافل بود وباید آن را به عنوان عامل مهم (هم بستگی اجتماعی) ودرنتیجه (هویت جامعه ایرانی) وبه عبارتی (هویت ملی) به شمارآورد.^۴

۱- جواد محدثی ، هویت ما چیست ، حدیث زندگی ، شماره ۱۱

۲- همان ، ص ۱۰

۳- مرتضی وفایی ، عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی ، حدیث زندگی ، ش ۱۱

۴- پیشین ، ص ۴۴

۳- زبان فارسی: به عنوان جزئی انفکاک ناپذیر از هویت ملی ایرانیان، حکومت و دولت که دارای نقش تعیین کننده ای در تکوین هویت ملی است، نژاد و قومیت با تنوع قومی در ایران زمین و سنتها و آیین های خاص ایرانی اشاره کرد.^۱

علاوه بر این موارد در مورد هویت هر کشوری باید به پیشینه های تاریخی، قهرمانان، برجستگان و اسوه های شاخص ملی، افکار و اندیشه های خاص ملت ها در باب موضوعات مختلف، پوشش و لباس، شیوه های زندگی محلی، آداب و سنن تکیه نمود و از ورود فرهنگ خارجی تحت عنوان تهاجم فرهنگی که قصدشان از بین بردن هویت ملی آن کشور است، خودداری نماید که در نهایت عزت نفس برای آن کشور به ارمغان خواهد آورد.^۲

هویت ایرانی با هویت دینی همواره در کنار یکدیگر معنا می یابند، تقویت هویت ایرانی و اسلامی در جامعه زمانی محقق می شود که این دو امر در کنار یکدیگر معنا پیدا کنند. مرزهای هویت ملی و دینی به شکل اصولی مرز واحدی نیست، چرا که همه ملیتهای مختلف مقررات و قوانینی دارند که این قوانین هویت ملی آنها را شکل می دهد. همواره باید مذهب و ملیت در کنار یکدیگر قرار گیرند، راه حلی برای نزدیکی دو محور ملیت و مذهب وجود دارد، در واقع اعتقاد بر این است که هویت ملی و مذهبی هم عرض یکدیگر قرار بگیرند به نحوی که هیچکدام از ایمی دو امر مهم نافی بخش دیگر نباشند، دینداران نباید هویت ملی را مانعی محسوب کنند و همین طور بالعکس. در ایران شاهد این موضوع هستیم که ارزشهای اعتقادی به شکلی مطلوب و مشخص در جامعه شکل گرفتند و در واقع ایرانیان با آغوش باز از اسلام استقبال کردند و باز باید اشاره کرد که اسلام و هویت ایرانی هیچگونه منافاتی با یکدیگر ندارند، اما در عین حال ایرانیان سنتها و اعتقادات ملی خویش را نیز پاس می دارند. هویت ایرانی و اسلامی هیچ منافاتی با یکدیگر نداشته و در کنار یکدیگر سازنده هویتی ارزشمند و غنی هستند که ایرانیان ارزش آن را درک کرده و در راستای پاسداری از آن تلاش می کنند.^۳

سمینار هویت ملی اسلام

۱- جواد محدثی ، هویت ما چیست ، حدیث زندگی ، ج ۱۱ ، ص ۱۰
۲- احمد طهماسبی ، شبیخون فرهنگی ، انتشارات یاقوت ، ص ۱۲۸
۳- محمد علی ابطحی، هویت ایرانی اسلامی و ضرورت تقویت آن، خبرگزاری مهر ،
۱۳۸۵/۹/۲۸

فصل پنجم: جهانی شدن و هویت ملی و دینی^۱

بخش اول: جهانی شدن و هویت

سعی و کوشش برای ساختن هویتها و حفظ آنان در برابر هجمه ها در دستورالعمل هر مکتبی قرار دارد. لذا سعی و کوشش خود را به کار می برند تا این معیار مهم انسانی را به نحو مطلوب حفظ و بازسازی نمایند.

در تعریفی که می توان از هویت بیان کرد می توان گفت: هویت یک عنصر مبارزه در فرد است که فرد را در برابر هجوم های دیگران تجهیز می نماید.

حال با توجه به مفهوم جهانی شدن باید ببینیم این پدیده چه تاثیری بر هویت انسانی خواهد داشت و آیا این تاثیرات مثبت و یا منفی هستند؟

در این زمینه باید از دو جهت در مورد مسئله هویت بحث شود یکی در بعد هویت و دیگری در مسئله ارتباط جهانی شدن با مسئله هویت^۲

هویت:

همانطور که در تعریف گفتیم هویت یک عنصر مبارزه در افراد است. حال ببینیم عناصر تشکیل دهنده هویت چه چیزهایی هستند این عناصر را می توان به موارد زیر تقسیم کرد، این عناصر یا ذهنی یا دارای نمود عینی و خارجی هستند، یا عناصر ثابتی هستند مثل سرزمین، دین یا اسطوره یا متغیرند مثل تمدن تکنولوژی، اخلاق، وقایع و حوادث تاریخ ساز و... یا این عناصر اکتسابی هستند چون فن و علوم و هنر یا موروثی هستند مثل میراث های فرهنگی، مادی و معنوی^۳. هویت می تواند بوسیله عوامل مختلف بوجود آید مثلا جنگها و حوادث ناگوار که در یک جامعه رخ می دهد، می تواند در سرنوشت جامعه و نسلهای آینده آن سرزمین دخیل باشد یا نه فرهنگهایی که از تمدنها و جوامع دیگر به جامعه ای وارد می شوند می توانند هویت ساز باشند. عموما ملتهایی که دارای فرهنگ غالب هستند با استفاده از قدرت و گاه با غلبه سیاسی و قدرت سعی در تحمیل فرهنگ خود دارند که این را تهاجم فرهنگی گویند. فرهنگهای مغلوب عموما جوامع ضعیفی هستند که از رشد لازم برخوردار نیستند.

۱- فاطمه حامد مقدم، جهانی شدن، هویت ملی، تهدید معنوی، مدرسه علمیه نرجس(ع)

۲- محمد حسین پژوهنده، مقاله جهانی شدن و مسئله هویت، نگاه حوزه ۹۹-۹۸ چاپ ۱۳۸۲

ص ۶۵

۳- همان، ص ۶۸

بخش دوم: جهانی شدن و فرهنگ

گفته شد که جهانی شدن تأثیرات زیادی در تمامی عرصه های زندگی انسانها دارد از جمله عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، اما بیشترین تأثیری که جهانی شدن دارد در عرصه فرهنگی است. جهانی شدن تأثیرات زیاد و بسیار عمیقی در فرهنگ کشورها دارد.

همانطور که قبلاً اشاره کردیم ، کشورهای پیشرفته با استفاده از رسانه های اطلاع جمعی مثل اینترنت و ماهواره در مسیر جهانی شدن تأثیرات بسیار زیادی خواهند داشت و از آنجا که تمامی این رسانه ها در زمینه های فرهنگی فعال هستند بنابراین جهانی شدن تأثیرات بسیار عمیقی بر فرهنگها و هویت های ملی خواهد داشت که در این میان کشورهای غربی و سرمایه داری براحتی می توانند فرهنگ ابتدال و غیر اخلاقی را بر کشورهای جهان سوم تحمیل کنند^۱ .
بهتر است تعریفی از فرهنگ بیان کنیم تا بیشترین میزان تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ را بدانیم :
فرهنگ ، کلیت پیوسته ای از ارزشها و اعتقادات و آداب و سنت ، احساسات و گرایشات و عناصر تشکیل دهنده شخصیت و اخلاق و اعمال هر قوم و ملتی است .

فرهنگ همچنین دارای خصوصیات از قبیل هویت دهنده ، توسعه خواهی و خلاقیت و پویایی است .

از جمله عوامل زیر ساختی که سبب تغییر فرهنگها می شود می توان به موارد زیر اشاره کرد :
۱- نوگرایی و نوآوری: هر جامعه ای طبیعتاً دارای فرهنگهای قدیمی و کهنه است که از سوی بسیاری از نسلهای جوان آن جامعه پذیرفته نیست : لذا وقتی فرهنگی از جامعه دیگر وارد می شود هر چقدر آن فرهنگ در جامعه خود قدیمی باشد باز هم با روی باز پذیرفته می شود . حال اگر فرهنگ ، یک فرهنگ خود باخته باشد و مظهر تمدن غرب و ابتدال باشد ، باید دید چه تغییری در فرهنگ و هویت جامعه بوجود می آورد .

۲- پذیرش اجتماعی : میزان مقبولیتی که یک فرهنگ وارداتی یا یک فرهنگ داخلی در میان مردم یک جامعه دارد ، در کارکرد آن فرهنگ بسیار موثر است . وقتی در یک جامعه فرهنگهای خودی در بین مردم جا نیفتاده باشد و دسته سازی مناسبی در زمینه پذیرش فرهنگهای خودی در بین اقشار جامعه و بویژه جوانان انجام شده است ، پذیرش فرهنگ بیگانه امری طبیعی خواهد بود .

۳- طرد انتخابی .

۴- تلفیق و انتخاب^۲

۱- علی اکبر حصارى، به سوی حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، چاپ ۱۳۸۲ ص ۷۸

۲- محمد رحیم عیوضی ، پژوهشنامه در حوزه فلسفه دین و فرهنگ قیاسات ۴ ، سال ۱۳۷۸ ص ۱۶۴

نظریه ای که اکنون درباب جهانی شدن و فرهنگ درجهان بخصوص دراروپا حاکم است این است که فرهنگی که درجهانی شدن فراگیر خواهد شد فرهنگ غرب و اروپا خواهد بود که بر این اساس تمامی مردم جهان دارای یک فرهنگ، یک زبان، یک نوع سلیقه درمورد لباس و غذا خواهند بود. و این درست براساس رویه ای خواهد بود که اکنون آمریکا و محافل صهیونیستی طی می کنند.^۱

جریانهایی که از کشورهای مختلف صادر می شوند زمانی که بعنوان فرهنگ غالب قرار گیرند، فرهنگهای مغلوب را شدیداً تحت تاثیر قرار می دهند و تمامی مراکز این کشورها اعم از مراکز اقتصادی، نظامی و سیاسی و از همه مهمتر مراکز فرهنگی آن کشورها تحت تاثیر شدید قرار می گیرند. مراکز از قبیل سینماها، مدارس، دانشگاهها، مراکز اطلاعاتی و خبرگزاریها.

حتی در مقوله تغذیه یا پوشاک ترویج می کنند... در حوزه زبان و گویشها نیز همین گونه است. اکنون زبان انگلیسی بعنوان زبان رسمی در سراسر دنیا ترویج شده است. به این ترویج و واحد ساختن فرهنگها یکسان سازی فرهنگ گویند.^۲

دردنیای جهانی شدن یک تک جامعه و یک فرهنگ در سرتاسر سیاره زمین مستقر خواهد شد. فرهنگ یکسان می شود. جهانی شدن به معنای دیگر فرآیندی کاملاً اروپایی است.^۳

از این بابت است که اندیشمندان از جهت جهانی شدن نگران هستند زیرا باعث تقویت قدرت کشورها می شود و تهاجم فرهنگی را بطور گسترده ای به دنبال دارد که این عمل باعث از یطن رفتن هویتهای ملی و سست شدن زمینه دینی در افراد خواهد شد.

بخش سوم: جهانی شدن و فرجام جهان اسلام

متأسفانه امروزه دنیای اسلام در شرایط کنونی تبدیل به جامعه ای شده است که هیچگونه فرهنگی از آن صادر نمی شود ولی به عوض هرچه فرهنگ های مبتذل و فاقد برجسب اطمینان به آن صادر می شود.

دردنیای کنونی دوقطب وجود دارد در یک سو جهان توسعه یافته و در سوی دیگر جهان توسعه نیافته قرار دارد. با توجه به اینکه درجهان توسعه یافته دین و مذهب بطور کامل کنار گذاشته شده است و برعکس درجهان توسعه نیافته دین و مذهب بطور گسترده در زندگی مردم نقش دارد و این درحالی است که جوامع توسعه یافته به طور گسترده ای و با سرعت تحیر آوری در صدد تاثیرگذاری بر جوامع دیگر خصوصاً توسعه نیافته ها است. بنابراین علاوه بر تاثیرات اقتصادی که بر جوامع دارند، بفرهنگ و مذاهب آن جوامع تاثیر گذارند و سعی در حذف مذهب از زندگی آنان دارند.^۴

۱- محمد جواد شجاعی شکوری، دین در عصر جهانی شدن، جهانی شدن و دین فرصتها و چالشها، سال ۱۳۸۲، ص ۴۳۲

۲- همان، ص ۴۳۴

۳- همان، ص ۴۳۵

۴- عبد الحمید اکوچکیان، اسلام جهانی شدن، جهانی شدن دین فرصتها و چالشها، ۱۳۸۲، ص ۳۵۷-۳۵۸

درکنار این مطالب گفته شده نیز می توان گفت این جهانی شدن اگر از سوی کشورهای جهان سومی و توسعه نیافته به درستی و بطور صحیح درک شود فرصتهای بسیار مطلوبی در زمینه پیشرفت به دست خواهد آمد.^۱

بعنوان مثال می توانند جهان را تحت تاثیر فرهنگهای صحیح خود درآورند و به احیاء دین و مذاهب خود پردازند ، یا اینکه بطور صحیح می توانند به مبادله تمدنها و فرهنگهای خود پردازند ، یا می توانند با استفاده صحیح از جهانی شدن به حقوق بشر آزادی و تربیت دست یابند . البته به یک نکته بسیار ظریفی اشاره می کنیم که در مسئله جهانی شدن اسلام هرگز اعتبار خود را از دست نداده و هیچگاه تحت تاثیر ، تاثیرات جهانی شدن و جوامع توسعه یافته قرار نمی گیرد .^۲

به منظور جلوگیری از هجوم سیلاب جهانی شدن و تحت تسلط قرار دادن هویت ملی و مذهبی باید کار فرهنگی انجام شود تا در پرتو تقویت هویت ایرانی - اسلامی از مخاطرات جهانی شدن جلوگیری به عمل آید. برخی مدعی هستند که فرآیند جهانی شدن به از بین رفتن مرزها و شکل گیری دهکده جهانی منتهی خواهد شد اما حقیقت این است که چنین نشد. امروز اگر به دقت به مناقشات جهان دقت کنید متوجه خواهید شد که بسیاری از جنگها بر سر مرزها است. در این میان توجه به این پرسش ضروری است که بر سر دولتهای ملی چه می آید هویت ملی میزان زیادی در فرآیند جهانی شدن لطمه می بیند. فرآیند جهانی شدن به فرآیند شکل گیری دولتهای جدید شباهت دارد. علاوه بر هویت ملی یک هویت جهانی وجود دارد که امریکا می خواهد شکل گیری آن در سراسر دنیا را به خود نسبت دهد. هویت ملی در برابر هویت جهانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اگر هویت ملی از بین برود هویت جهانی بی ارزش خواهد بود. اریک فروم در کتاب "جامعه سالم" استدلال می کند که جامعه سالم مستلزم کوچک کردن اجتماع ها است. عده ای دیگر صحبت از ایجاد جماعتهایی می کنند که انسان بتواند در قالب آن خود را تعریف کرده و بی هویت باقی نماند مذاهب ابراهیمی جزو پوسته اصلی هویت ملی هستند چون ماهیت جهانی دارند. از سوی دیگر اسلام به طور خاص دارای چنین جاذبه ای است امروز هویت ملی و مذهبی در معرض خطر قرار گرفته است و باید برای حفظ آن به دنبال راه حل بود اگر درها را ببندیم، از تمام جهان عقب می مانیم و دامنه این عقب ماندگی گسترده است. و اگر درها را چون ترکیه باز کنیم ممکن است این جریان چون سیلابی به سمت ما آید و هویت ملی و مذهبی ما را تحت تسلط قرار دهد. به عنوان راه حل این جریان باید تأکید کرد که دین را باید به نوعی ارائه کرد که دارای جاذبه باشد که این امر از فرار مغزها و روی آوردن افراد به دیگر ادیان جلوگیری خواهد کرد. این امر کار فرهنگی است که در پرتو تقویت هویت ایرانی - اسلامی می تواند از مخاطرات آن جلوگیری کند.

۱- پیشین ، ص ۳۵۹
۲- پیشین ، ۱۳۷۸ ، ص ۳۶۱

نتیجه گیری

نگارنده تحقیق در طی تفحص و بررسی موضوع حاضر در صدد پاسخویی به سؤالات اصلی زیر می باشد.

یعنی :

- ۱) هویت و بحران هویت به چه معناست ؟
- ۲) رابطه هویت ملی و هویت مذهبی در ایران چیست؟
- ۳) احساس هویت دینی و همچنین احساس بحران هویت دینی چگونه حاصل می شود؟
- ۴) پدیده جهانی شدن چه تأثیری بر هویت اسلامی خواهد داشت ؟ آیا این تأثیرات مثبت است یا منفی ؟

بنابراین ابتدا به توضیح در هویت و بحران هویت پرداخته، و تأثیرات هویت دینی را در این رابطه توضیح داده که، هویت را غالباً به معنای حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، می دانند یا به عبارت دیگر آنچه منسوب به (هو) باشد و در تعریف دیگری همانطور که اریکسون می گوید: یک هویت شخصی مستحکم این امکان را برای یک فرد مهیا می کند که آشنایی خویش را با سایر مردم توسعه بخشد. از جمله مسائل اساسی شکل دهنده هویت هر انسانی، داشتن تعریفی از خود، از معنای زندگی، هدف در زندگی و... است و با نگاهی اجمالی به معارف دینی می بینیم که یکی از کارکردهای اصلی دین در زندگی این است که با دادن جهان بینی الهی، معنا و هدف نهایی زندگی را برای انسان تبیین می کند و غایت مسیر حرکت او را نشان می دهد.

حال اگر معنا و غایت زندگی فرد بر اساس جهان بینی دینی شکل گرفت، دیگر ابعاد هویتی فرد (هویت شغلی، جنسیتی و...) به عنوان واسطه های دستیابی به آن هدف و در راستای آن معنا و غایت نهایی جهت دهی خواهد شد.

به نظر می رسد شناسایی و بازیابی هویت ملی، همیشه ایام در خودآگاه یا ناخودآگاه هر ملتی وجود داشته و تنها در بزنگاههای خاصی از تاریخ با اقبال ویژه ای روبه رو شده است. بر همین اساس در جهانی که به تعبیر برخی از پژوهشگران، جهان یک تمدنی و چند فرهنگی است، مسئله هویت به یکی از پرسشهای روز تبدیل شده و توجه بسیاری از دانشمندان، سیاستمداران و نهادهای دولتی و غیر دولتی را به خود جلب کرده است.

اگر بپذیریم هویت ملی، مجموعه خصوصیات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فکری، زیستی و تاریخی است که بر یگانگی و همانندی آحاد یک ملت، دلالت و آنها را از سایر گروهها و افراد متمایز می کند، پذیرفته ایم «هویت» مفهومی مرکب و چندرکنی است که در ذهن و رفتار یکایک شهروندان قابل جستجو است و با شناخت نقاط ضعف و قوت آن می توان ضمن مدیریت رفتارهای فردی و اجتماعی، به تبیین الگوهای مناسبی پرداخت که یا به تقویت هویت ملی منجر می شود یا به رفع آسیبها و چالشها کمک می کند یا برای دستیابی به الگوهای مطلوب تر هویت، راهبردهای جدیدی پیش رو می گذارد.

وقتی فرد، جهان بینی الهی پیدا می کند و مبدا و مقصد خود را می داند و پی می برد که برای چه آفریده شده است و غایت آفرینش او چیست ؛ می تواند در مورد سایر مسائل زندگی بهتر تصمیم بگیرد.

بنابر آنچه ذکر شد، به نظر می رسد هویت دینی در مرتبه ای بالاتر از سایر ابعاد هویت قرار دارد و می تواند در شکل گیری سایر ابعاد هویتی فرد، نقش اساسی ایفا کند. دین اسلام با توجه به این که به ابعاد اجتماعی انسان نیز می پردازد، می تواند در شکل گیری هویت بسیار موثر باشد. بعد دینی هویت مورد توجه نظریه پردازان این زمینه نیز بوده است .

در جواب سؤال رابطه هویت ملی و هویت مذهبی در ایران چیست؟ باید بیان نمود که : ایرانیان با فلسفه تاریخی شان، بایکتا پرستی شان، با نگاه سلسله مراتبی شان و تلفیق دین و سیاستشان، آرزوهایشان را در اسلام و مذهب شیعه می یابند شیعه و فرهنگ ایرانی دو عنصر لاینفک (جدا نشدنی) هستند و اینکه می گویند ملی- مذهبی بیان درستی نیست زیرا اینها در واقع یکی هستند و اگر قرار به تقدم باشد، هویت دینی مقدم است. عنصر اساسی هویت ایرانی، دینداری است. ریچارد فرای مطلبی می گوید که بیانگر آمیزش دین و فرهنگ از یک سو و اهمیت و جایگاه خاص فرهنگ ایرانی در جهانی شدن تمدن اسلامی از سوی دیگر است. به اعتقاد او اسلام تا زمانیکه با فرهنگ ایرانی، پیوند نخورد، جهانی نشد. فرهنگ ایرانی نقش عظیمی در احیا و تقویت تمدن اسلامی ایفا می کند. همان طور که مسیحیت نیز تا زمان پیوند با تمدن یونان جهانی نشد.

در جواب این سؤال که پدیده جهانی شدن چه تأثیری بر هویت اسلامی خواهد داشت ؟ آیا این تأثیرات مثبت است یا منفی ؟ باید اذعان نمود که : مذاهب ابراهیمی جزو پوسته اصلی هویت ملی هستند چون ماهیت جهانی دارند. از سوی دیگر اسلام به طور خاص دارای جاذبه ای بسیار زیادی است. امروز هویت ملی و مذهبی در معرض خطر قرار گرفته است و باید برای حفظ آن به دنبال راه حل بود اگر درها را ببندیم، از تمام جهان عقب می مانیم و دامنه این عقب ماندگی گسترده است. و اگر درها را چون ترکیه باز کنیم ممکن است این جریان چون سیلابی به سمت ما آید و هویت ملی و مذهبی ما را تحت تسلط قرار دهد. به عنوان راه حل این جریان باید تأکید کرد که دین را باید به نوعی ارائه کرد که دارای جاذبه باشد که این امر از فرار مغزها و روی آوردن افراد به دیگر ادیان جلوگیری خواهد کرد. این امر کار فرهنگی است که در پرتو تقویت هویت ایرانی - اسلامی می تواند از مخاطرات آن جلوگیری کند.

سمینار هویت ملی اسلام

فهرست منابع

(۱) قرآن کریم

(۲) طباطبایی، محمد حسین ، تفسیر المیزان

(۳) اشرف ، احمد ، بحران هویت ملی و قومی در ایران ، ایران نامه ، سال دوازدهم ، شماره ۳

(۴) پویا ، عبدالرضا ، چالش های فرهنگی ایران با جهانی شدن ، نگاه حوزه ، ۹۸-۹۹ ، چاپ ۱۳۸۲

(۵) مسعودی فرد ، جلیل ، حفظ فرهنگ ایرانی اصلاح در فرایند جهانی شدن ، ۱۳۸۲

(۶) افروغ ، عماد ، فرهنگ عمومی ، هویت شناسی مذهبی و باورهای دینی ایرانیان ، فصلنامه ، ش ۲۲ و ۲۳

(۷) جمعی از نویسندگان ۲۳۳ ، ایران شناسی ، سال ۴ ، شماره ۲ ، تابستان ۱۳۷۱

(۸) شرفی ، محمد رضا ، جوان و بحران هویت ، سروش

(۹) شرفی ، محمد رضا ، جوان و نیروی چهارم زندگی ، سروش

(۱۰) متقی فرد ، غلامرضا ، هویت و بحران هویت ، سایت: درگاه پاسخگویی به مسایل دینی

(۱۱) نقیب زاده ، احمد ، جهانی شدن ، آسیبها و راهکارها ، خبرگزاری مهر ، ۱۳۸۶/۶/۴

(۱۲) حامد مقدم ، فاطمه ، جهانی شدن ، هویت ملی ، تهدید معنوی ، مدرسه علمیه نرجس «ع»

(۱۳) متین ، آیا افتخار به هویت ملی صحیح است و بحران هویت و بیان عوامل مبارزه با آن ، درگاه پاسخگویی به سؤالات دینی ، ۱۳۸۵/۹/۲۳

(۱۴) هاشمیان فرد ، محدثه ، هویت ملی مذهبی ، مدرسه علمیه نرجس (س) ، ۲۰۰۵/۱/۶

۱۶) توسلی ، محمد، هویت دینی و ملی تکیه گاه ملت ایران ، فصلنامه ، ش ۱۸

۱۷) محدثی ، جواد ، هویت ما چیست ، حدیث زندگی ، شماره ۱۱

۱۹) وفایی، مرتضی ، عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی ، حدیث زندگی ، ش ۱۱

۲۰) طهماسبی، احمد ، شبیخون فرهنگی ، انتشارات یاقوت

۲۲) ابطحی ، محمد علی ، هویت ایرانی اسلامی و ضرورت تقویت آن، خبرگزاری مهر ، ۱۳۸۵/۹/۲۸

۲۳) پژوهنده، محمد حسین ، مقاله جهانی شدن ومسئله هویت ، نگاه حوزه ۹۹-۹۸ چاپ ۱۳۸۲

۲۴) حصاری، علی اکبر، به سوی حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ ۱۳۸۲

۲۵) عیوضی، محمد رحیم ، پژوهشنامه درحوزه فلسفه دین وفرهنگ قبسات ۴، سال ۱۳۷۸

۲۶) شکوری، محمد جواد شجاعی ، دین درعصر جهانی شدن ، جهانی شدن ودین فرصتها وچالشها ، سال ۱۳۸۲

۲۷) اکوچکیان، عبد الحمید ، اسلام جهانی شدن ، جهانی شدن دین فرصتها وچالشها ، ۱۳۸۲

سمینار هویت ملی اسلام